

خیلواکی



استقلال

www.esteghlal.net

یکشنبه ۲۶ اپریل ۲۰۲۰

فریده نوری

## کودتای ننگین هفتم ثور سال ۱۳۵۷ شمسی

### روز سیاه در تاریخ افغانستان

تا آخرین رمق حیات همه افغان ها نگذارند که این روز سیاه و منفور تاریخ معاصر افغانستان عزیز، که مانند یک لکه ننگ بر دامن کودتاجیان خلق و پرچم چسپیده است، فراموش شود.

کودتای هفتم ثور سال ۱۳۵۷ شمسی که به تعقیب آن اشغال افغانستان توسط قشون سرخ شوروی و به کمک نوکران کرملین، یعنی حزب نادمکراتیک خلق و پرچم به وقوع پیوست، فاجعه جبران ناپذیری است که عواقب وخیم به دنبال خود داشت، که تا امروز که چهل و دو سال از آن می گذرد، افغانستان عزیز و ملت افغان قیمت بسیار گزاف می پردازند.

آیا این وابستگان سر سپرده کرملن گاهی هم متوجه اعمال شان که به سرنوشت یک مملکت و ملت مظلوم اما سربلند و با افتخار بازی کردند، خواهند شد؟

من شک دارم که این بی ننگان و قصابان انسان، روزی متوجه اعمال زشت خود شوند. زیرا دیده می شود که از هر موقع استفاده نمود و قیام پرافتخار مردم سرفراز و قهرمانان راه آزادی افغانستان عزیز را منحصر به یک تعداد محدود که گویا اخوانی ها بوده باشند، می دانند. در حالی که مقاومت فوراً بعد از کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷، در سر تا سر افغانستان به دلیل کشتار های دسته جمعی، سر به نیست شدن ها، اهانت به دین و اعتقادات مردم شروع شد، و لرزه بر اندام این وطن فروشان انداخت، زیرا قبل از سرازیر شدن قشون سرخ شوروی قیام مردمی به سوی سرنگونی رژیم کمونیستی خلق و پرچم روان بود.

همان بود که چهره منفور شده ببرک با تانک و توپ بادرانش در خاک پاک وطن ظاهر گشت، و بدون هیچ نوع شرم و خجالت وطن را با ودکا معامله کردند، و مردمش را به اشکال مختلف غیر انسانی که تاریخ نظیرش را کم دیده است به قتل رساندند، و ملیون ها وطندار دیگر را مجبور به ترک وطن نموده و راهی دیار بیگانگان ساختند. جای تأسف است که هنوز هم عناصر این رژیم خائن و وطن فروش می کوشند با پررویی، مقاومت اکثریت مطلق آن سرزمین پر افتخار را نادیده بگیرند، و از قصابان کابل مانند نجیب معروف به قصاب کابل قهرمان بسازند.

تأسف برای فرد فرد ملت افغان در این است که چند فرد تشنه قدرت، جهاد مقدس مردم افغانستان را پامال نموده و به خاطر به دست آوردن جاه و جلال با خائنین خلق و پرچم، به عوض محاکمه نمودن آن ها، با آن ها توافقات و معاهدات به امضاء رساندند. یکی از دلایل عمده و بزرگ که بعد از چهل و دو سال هنوز هم از پیکر آن سر زمین که جایگاه قهرمانان گمنام است، خون جاری است، همین ائتلاف با خائنین می باشد .

تا وقتی که همه خائنین به جزای اعمال شان نرسند و عناصر فروخته شده ممالک دور و نزدیک از بین نروند، افغانستان و ملت افغان به صلح و آرامی نخواهد رسید.

در این روز ها که به کودتای منفور هفتم ثور نزدیک می شویم، مضامین تخریش کننده تحت عنوان روابط افغانستان - شوروی که بالای زخم های مردم نمک پاش میدهد، به نشر می رسد.

نویسنده در مضمون متذکره خود از روابط حسنه، معاهدات و کمک های اتحاد شوروی و با نقل قول های متعدد از روابط نیک همسایگی و همزیستی مسالمت آمیز تذکراتی ارائه نموده است. افسوس که عاقبت این دوستی، بسیار دردانگیز، ناگوار، خونین و خجالت آور و غیر صادقانه بود.

همچنین از غربت و عقب ماندگی افغانستان عزیز حرف هائی گفته شده است که باید خاطر نشان شود، که همزیستی مسالمت آمیز و روابط نیک همین همسایه شمالی بود، که نمی گذاشت افغانستان از ذخایر خود مستفید شود. از طرف دیگر کمک های شوروی به هیچ صورت خیرات دادن به ملت افغان نبود، تمام دار و ندار ما را شوروی ها قبضه نموده بودند، از یکی آن به طور مثال یاد می کنیم که میتر گاز افغانستان به آن طرف دریای آمو تحت کنترل اتحاد شوروی بود. و نتیجه این دوستی مسالمت آمیز بسیار به زیان افغانستان تمام شد.

لاکن به این هم معتقد هستم، که: **تا یک نفر افغان ست، زنده افغانستان است.**

جهت تقبیح این روز منحوس به نوشتن یک قطعه شعر از شاعر بلند مرتبت و پر احساس، جناب محترم زنده یاد عزیز احمد «مهاجر» که روح شان شاد و یاد شان گرمی باد، اکتفاء می نمایم.

## گُرگ کرملین

تو ای ببرک به دامان کرملن	شدی پرورده از نان کرملن
بریژنف آن که شداد زمانه ست	ز خون گسترده او خوان کرملن
اناهیتا، حفیظ و غادر سگ	سگان پاچه گیران کرملن
تره کی، نجیب و دیگران نیز	همه از ریزه خواران کرملن
جلالر بود، جاسوس کی جی بی	به دوشش بود پالان کرملن
به بیشرمی و پستی قبضه کردند	حق مردم به فرمان کرملن

ز خون بینوایان سرخ رنگ است  
عجب نبُود اگر از خون دهقان  
به نام کار گر دارد این باند  
چو منکر از خدا و حق بود او  
وطن با روبل و ودکا می فروشند  
نقاب از چهره منحوس افتاد  
تو ای خلقی و پرچم لعنتت باد  
شما دزدان ناموسید، تا چند  
ربودند حق آزادی ز افغان  
ولی، افغان چو شیری در کمینش  
به لرزه گشت او از نعره خلق  
خدا یار است با قومی که هرگز  
«عزیز» من، ببینم کاش روزی  
به دار انتقام ملت، آری  
چه زود است آن که ملت های مظلوم  
قشون سرخ و میدان کرملن  
بود رنگین چو دامان کرملن  
شعار سینه کوبان کرملن  
شرافت نیست در شان کرملن  
همی بوده ثنا خوان کرملن  
پناه بردی به دامان کرملن  
تویی شاگرد شیطان کرملن  
به کف گیرید دامان کرملن  
چه بی شرمند دزدان کرملن  
شکسته پوز و دندان کرملن  
شکست آمد به ایوان کرملن  
ندوزد دیده بر خوان کرملن  
به خواری ریزه خواران کرملن  
سر این داره دزدان کرملن  
درند حلقوم گرگان کرملن